



پردیس دانشگاهی

پایان نامه کارشناسی ارشد

روابط ایران و روسیه در دولت های نهم و دهم

از:

محمد باقر علی اکبری

استاد راهنما:

دکتر رضا سیمبر

خرداد ۹۳

صلى الله عليه وسلم

پردیس دانشگاهی

علوم سیاسی

روابط بین الملل

روابط ایران و روسیه در دولت های نهم و دهم

از:

محمد باقر علی اکبری

استاد راهنما:

دکتر رضا سیمبر

استاد مشاور:

دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین

خرداد ۱۳۹۳

تقدیم بہ:

پدر و مادر مہربان و عزیزم

تقدیر و تشکر:

به مصداق «من لع یشکر المخلوق لع یشکر الخالق» بسی شایسته است
از استادان فرهیخته و فرزندان خود آقایان

دکتر رضا سیمبر و دکتر لاسان قربانی شیخ نشین که با
کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و
گلشن سرای علم و دانش را بار آهنگامی های کار ساز و سازنده
بارور ساختند، تقدیر و تشکر نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱-۱- مقدمه
۳	۱-۲- بیان مسئله
۴	۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق
۶	۱-۴- سؤال تحقیق
۶	۱-۵- فرضیه تحقیق
۶	۱-۶- پیشینه تحقیق
۱۴	۱-۷- روش تحقیق
۱۴	۱-۸- سازماندهی تحقیق
فصل دوم: سیستم حکومتی روسیه	
۱۶	مقدمه

۱۶	۱-۲-موقعیت جغرافیایی
۱۸	۲-۲-سیستم حکومتی
۲۴	۳-۲-ویژگی و اهمیت استراتژیکی کشور
۲۴	۲-۳-۱-ادیان و مذاهب
۲۶	۲-۳-۲-وضعیت مسیحیت، اسلام و مسلمانان
۲۶	نتیجه گیری

فصل سوم: پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه

۲۹	مقدمه
۲۹	۳-۱-سیاست خارجی روسیه
۳۰	۳-۲- نظریات مطرح در سیاست خارجی روسیه
۳۴	۳-۳-روابط ایران و روسیه در دوران قاجار و پهلوی
۵۵	۳-۴-روابط ایران و روسیه دوران انقلاب قبل از دولت نهم و دهم
۶۴	نتیجه گیری

فصل چهارم: ساختار یا رهیافت های تئوریک سیاست خارجی

۶۷	مقدمه
۶۷	۱-۴- سیاست خارجی ایران در دوره احمدی نژاد
۹۲	۲-۴- روابط ایران و روسیه در دوران احمدی نژاد
۹۶	۳-۴- مؤلفه های سیاست خارجی روسیه در همکاری های هسته ای با ایران
۱۰۰	۴-۴- ضروریات در روند سیاست داخلی روسیه به ویژه در زمینه اقتصادی
۱۰۴	۵-۴- محورهای اصلی روابط ایران و روسیه
۱۰۶	۱-۵-۴- دخالت و تأثیرگذاری قدرت ثالث در روابط دو کشور
۱۰۶	۲-۵-۴- برتری ماهیت ژئوپلتیک بر ماهیت ژئواکونومیک روابط دو کشور
۱۱۶	نتیجه گیری
فصل پنجم: نتیجه گیری	
۱۱۸	نتیجه گیری
۱۲۲	منابع و ماخذ

روابط ایران و روسیه در دولت های نهم و دهم

محمد باقر علی اکبری

روسیه به عنوان کشوری که طی هفتاد سال حاکمیت کمونیست‌ها رهبری جریانی را بر عهده داشت که غرب در مفهوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن را با چالش‌های جدی مواجه ساخت و ایران به عنوان کشوری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آغازگر، الهام‌بخش و پرچم‌دار جریانی بوده است که تحت عنوان جریان بازخیزی اسلام استیلای فرهنگی و سیاسی غرب را به چالش طلبیده است، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری اسلامی ایران و روسیه در فضای جدید قرار گرفتند که بر همین اساس دو کشور به ارتقای جایگاه شان در ترتیبات بین‌المللی و منطقه ای مناسبات شان را تنظیم نمودند. به یک تعبیر، تردیدآمیز بودن فضای روابط ایران و روسیه در وهله نخست و در سطح کلان ناشی از تردید اساسی روس‌ها در تعریف جایگاه خود در وضعیت جهانی و در وهله بعد ناشی از تردید روس‌ها نسبت به اهداف و جهت‌گیری‌های کلان جمهوری اسلامی ایران است. البته مسایل مشکلاتی هم در روابط این دو کشور وجود داشته و دارد که از جمله می‌توان به نگاه ابزاری روسیه به ایران، حافظه تاریخی منفی ملت ایران از روسیه، سیاست‌های سودجویانه روسیه در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، نگاه‌های متفاوت در سیاست خارجی روسیه و ناهمگونی ایدئولوژیکی فرهنگی دو کشور اشاره کرد. با این حال عوامل اشتراک و همسویی در روابط دو کشور در فضایی پسا مارکسیت فراوان مشاهده می‌شود. در این پایان‌نامه روابط ایران و روسیه در دولت های نهم و دهم مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: روابط ایران و روسیه - دولت های نهم - دولت دهم.


Abstract :

Iran-Russia relations in the ninth and tenth Governors

Mohammad Bagher Aliakbari

Over seventy years of communist rule in Russia as a country whose leader was responsible for the West in the cultural, political and economic challenges facing the construction After the Islamic Revolution in Iran as the initiator, have been inspired and led by the resurgence of Islam as a political and cultural hegemony of the West is challenged After the collapse of the Soviet Union, Iran and Russia in new space were the two countries, thus improving their position in the international and regional arrangements for the regulation of their relations have. A sense, the dubious nature of relations between Iran and Russia in the first instance and the macro level, the fundamental question posed by the Russians in defining its position Place in the global situation and the uncertainty caused by the Russians and orientation relative to the overall goals of the Islamic Republic of Iran. The issues in the bilateral problems exist that can be viewed as a tool of Russia, Iran, the negative historical memory of the Russian nation, Determine the profit-Russian policy in the Caspian Sea legal regime, different views on Russian foreign policy and cultural ideological heterogeneity of the countries cited. However, common factors and spatial alignment between the two countries in the post-Marxist view is great. In this thesis, the Russian-Iranian relations have been studied in the ninth and tenth.

Keywords: Iran-Russia relations - the ninth - the tenth.



فصل اول
کلیات تحقیق

۱- مقدمه

روابط ایران و روسیه در دوران پس از فروپاشی شوروی فارغ از ضرورت‌های ناشی از همجواری جغرافیایی، سابق تاریخی و نیازهای اقتصادی، به دلیل موقعیت ویژه‌ای که هر یک از دو کشور در عرصه سیاست بین‌الملل دارند، از سوی محافل بین‌المللی مورد توجه خاصی قرار داشته است. بر مبنای این اهمیت در سطح کارشناسان و حتی سیاستمداران در ایران و روسیه این گمان به طور جدی شکل گرفته است که روابط دو کشور علی‌رغم نیازی که به یکدیگر در سطوح تاکتیکی و استراتژیکی دارند، در سطح مناسبی از همکاری و همسویی بین‌المللی، منطقه‌ای و دوجانبه قرار ندارد. به عبارت دیگر میان جایگاه (وضع موجود) دو کشور در سیاست خارجی یکدیگر و ارزش آنها (وضع مطلوب) در سیاست خارجی هم شکاف وجود دارد. روسیه به عنوان کشوری که طی هفتاد سال حاکمیت کمونیست‌ها رهبری جریانی را بر عهده داشت که غرب در مفهوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن را با چالش‌های جدی مواجه ساخت و ایران به عنوان کشوری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آغازگر، الهام‌بخش و پرچم‌دار جریانی بوده است که تحت عنوان جریان بازخیزی اسلام استیلای فرهنگی و سیاسی غرب را به چالش طلبیده است، هر یک به تنهایی موضوع پیچیده و غامضی برای غرب تلقی شده و بالتبع روابط میان آنها نیز با دخالت‌های گسترده غرب و به طور مشخص ایالات متحده آمریکا همراه بوده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست خارجی فدراسیون روسیه همواره در فضایی از ابهام، تردید و عدم قاطعیت دنبال شده است. این وضعیت هم در روابط روسیه و غرب و هم در روابط روسیه و ایران کم و بیش قابل مشاهده است. به یک تعبیر، تردیدآمیز بودن فضای روابط ایران و روسیه در وحله نخست و در سطح کلان ناشی از تردید اساسی روس‌ها در تعریف جایگاه خود در وضعیت جهانی و در وحله بعد ناشی از تردید روس‌ها نسبت به اهداف و جهت‌گیری‌های کلان جمهوری اسلامی ایران است. در سال‌های گذشته روس‌ها در تعریف جایگاه خود در برابر غرب بین موضع یک رقیب استراتژیک یا یک شریک مهم در نوسان بوده‌اند و به همین دلیل، تحت شرایطی تعامل با جمهوری اسلامی ایران (و یا حداقل نمایش آن) برای آنها از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. از سوی مقابل در جمهوری اسلامی ایران نیز علی‌رغم سیاست‌های کاملاً آشکاری که در مورد روابط با آمریکا (که تعیین‌کننده جایگاه و

موقعیت ایران در نظم جاری جهانی است) وجود دارد، از یک سو به دلیل تردیدهای روسیه و از سوی دیگر به دلیل تردیدهای داخلی در مورد میزان پایداری و توانمندی روسیه در برآورده‌سازی نیازهای استراتژیک ایران، هیچگاه اعتماد و همکاری کاملی با روسیه وجود نداشته است. در دروان پس از جنگ سرد و حذف دلایل ایدئولوژیک دوستی و دشمنی، وابستگی اقتصادی متقابل کشورها به یکدیگر یکی از مهمترین عواملی است که می‌تواند در جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها نقش قابل توجهی ایفا کند. به عبارت دیگر تعاملات اقتصادی و تکنولوژیک در شرایط جدید یکی از مهمترین عوامل مؤثر در عینیت بخشیدن به رویکردهای بین‌المللی کشورها تلقی می‌شود. در ربع قرن گذشته ایران و روسیه با وجود برخی الزامات منطقه‌ای و بین‌المللی نتوانسته‌اند ما به ازاهای عینی متناسبی را در روابط اقتصادی و تکنولوژیک دو جانبه تعریف و یا ایجاد کنند. مهمترین کالایی که ایران برای عرضه به کشورهای دیگر در اختیار دارد (انرژی) برای روس‌ها فاقد جذابیت است و از سوی مقابل کالا و تکنولوژی روسی نیز همواره آخرین گزینه برای طرف ایرانی بوده است. در این پایان نامه روابط ایران و روسیه در دولت های نهم و دهم مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲- بیان مسئله

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری اسلامی ایران و روسیه در فضای جدید قرار گرفتند که بر همین اساس دو کشور به ارتقای جایگاه شان در ترتیبات بین‌المللی و منطقه‌ای مناسبات شان را تنظیم نمودند. بدین ترتیب می‌توان چشم انداز روابط دو کشور را بر همین اساس در سه سطح مورد بررسی قرار داد. در سطح دو جانبه، دو کشور به مبادلات اقتصاد و همکاری نظامی و هسته‌ای روی آورده‌اند. در سطح منطقه‌ای در خصوص حل و فصل بحران‌ها و نزاع منطقه‌ای، نظیر بحران تاجیکستان و افغانستان با هم دیگر تشریک مساعی نمودند. همین طور در مورد بهره‌برداری از منابع انرژی حوزه دریای خزر دو کشور رویه همکاری در ارتباط با تثبیت یک رژیم حقوقی مورد قبول کشورهای ساحل این دریاچه و مقابله با نفوذ قدرت‌های فرا منطقه‌ای اتخاذ نمودند و در سطح بین‌الملل هر دو کشور نارضایتی خود را از نظام تک قطبی و سیاست‌های یک جانبه‌گرایان آمریکا اعلام کرده‌اند.

البته مسایل مشکلاتی هم در روابط این دو کشور وجود داشته و دارد که از جمله می توان به نگاه ابزاری روسیه به ایران، حافظه تاریخی منفی ملت ایران از روسیه، سیاست های سودجویانه روسیه در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، نگاههای متفاوت در سیاست خارجی روسیه و ناهمگونی ایدئولوژیکی فرهنگی دو کشور اشاره کرد. با این حال عوامل اشتراک و همسویی در روابط دو کشور در فضایی پسا مارکسیت فراوان مشاهده می شود. ما در این تحقیق ضمن اشاره ای گذرا به پیشینه ای تاریخی ایران و روسیه و به نحوه ای تعامل دو کشور در سطوح مختلف بین المللی، منطقه ای و ملی که به تامین منافع ایران و تقویت جایگاه این کشور در سطوح مختلف سیاسی منجر می شود را مورد تحقیق و واکاوی قرار داده و همچنین به صورت موردی به بررسی سیاست های دولت نهم و دهم در مورد کشور روسیه پرداخته ایم

۱-۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

از زمان انتخاب آقای احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران، سیاست خارجی ایران به شدت تحت تأثیر مساله هسته ای ایران بوده است. در رویکرد دولت جدید برخی از سیاست های دولت آقای خاتمی، به ویژه محوریت در روابط با غرب، به خصوص رابطه با اروپا مورد تجدید نظر قرار گرفت و از طرف دیگر، گرایش جدیدی در سیاست خارجی ایران تحت عنوان سیاست نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفت. تأکید بر سیاست نگاه به شرق در شرایطی صورت پذیرفته که تلاش ها برای حل اختلافات با غرب تاکنون نتیجه مطلوبی در بر نداشته است. بر اساس دیدگاه دولت نهم در سیاست نگاه به شرق، باید توجه ویژه ای به روسیه و چین داشت؛ زیرا این دو کشور می توانند نقش مهمی در مبادلات منطقه ای، ایجاد موازنه بین المللی و تعدیل نظام تک قطبی داشته باشند. در واقع اگر ایران، چین و روسیه بتوانند به رهیافت مشترکی در زمینه امنیت بین المللی و منطقه ای دست یابند، می توان شاهد برقراری همکاری مؤثر و سازنده ای بود، اما برای تحقق چنین هدفی، ایران باید علاوه بر در نظر گرفتن محدودیت های چین و روسیه در صحنه بین المللی، مقامات این دو کشور را در کسب منافع اقتصادی و استراتژیک در همکاری با ایران تشویق کند که یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه، سازمان های منطقه ای

برجسته‌ای همچون سازمان همکاری‌های شانگ‌های است که می‌تواند در نظام‌مند کردن همکاری‌های چندجانبه کارآمد باشد. مقامات و مسئولان دولت‌های نهم و دهم با تاکید بر سیاست نگاه به شرق به عنوان رویکرد اصلی سیاست خارجی ایران، معتقدند که این سیاست در واقع سیاست تنش‌زدایی با رویکردی جدید است که حول محور تعامل سازنده دور می‌زند. در این دیدگاه، تعامل سازنده در سیاست خارجی حتی مرحله‌ای پیشرفته‌تر از سیاست تنش‌زدایی و نیازمند پویایی، تاثیرگذاری و جهت‌دار بودن بر اساس شناخت دقیق معادلات سیاسی است. برخی معتقدند سیاست جدید، این فرصت را به ایران می‌دهد که در صحنه روابط بین‌الملل در جایگاه مدعی قرار گیرد و بر این اساس اتهامات مطرح شده علیه جمهوری اسلامی ایران، به تعاملی فعال و سازنده با کشورهای دیگر تبدیل می‌شود. بنابراین چنین سیاستی باعث خواهد شد تا ایران ارتباط خود را با دیگر کشورها، به خصوص کشورهای منطقه افزایش داده و در صحنه‌ها و جوامع بین‌المللی حضوری فعال و سازنده داشته باشد. از طرف دیگر اولویت سیاست جدید، تعمیق مناسبات با کشورهای همسایه بر اساس سیاست تعامل سازنده است. البته در سیاست جدید به جای تعبیر گرایش به شرق بیشتر از مفهوم گسترش ظرفیت در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. ناخشنودی دولت از روند تعامل با غرب باعث شده تا نوعی دگرگونی ظرفیت صورت گیرد. در عرصه سیاست خارجی، آقای احمدی‌نژاد بعد از رسیدن به ریاست جمهوری ایران، تمام دستاوردهای تنش‌زدایی سالهای دوره ریاست جمهوری قبلی را تماماً کنار گذاشت. در سیاست نگاه به شرق ایران، همچنین می‌توان دیدگاه‌هایی را مشاهده کرد که در آن اتحاد با کشورهای آسیایی بر محور ضدیت با آمریکا مورد توجه است که از جمله می‌توان به طرح اتحاد میان ایران، هند و پاکستان یا میان ایران، هند، چین و روسیه اشاره کرد. طرفداران چنین سیاست‌هایی معتقدند ایران باید بکوشد تا با اتحادی از کشورهای قدرتمند در شرق، آثار سیاست تهدیدآمیز آمریکا را در قبال خویش زایل سازد. از دید برخی مسوولان، گرایش ایران به شرق از آن جهت که یک کشور شرقی محسوب می‌شود، اساساً گرایش قوی‌تری نسبت به سایر گرایش‌هاست. آنان معتقدند کشورهای شرقی عملکرد قابل دفاع‌تری در روابط بین‌الملل داشته‌اند، لذا در این دیدگاه به تجارب تاریخی توجه زیادی می‌شود که در آن کشوری، همچون چین هیچ سابقه قابل‌ذکری از استعمارگری ندارد و مجموعاً کشوری غیر مهاجم تلقی می‌شود. در این دیدگاه مقامات ایرانی تاکید دارند که در

مقابل شرقی ها، غربی ها سابقه ای ۵۰۰ ساله در استعمارگری دارند که نمونه امروزی آن عراق است. از این رو برخی صاحب نظران با نقد سیاست نگاه به شرق دولت احمدی نژاد، آن را رویکرد مناسبی نمی دانند، زیرا کشورهای همچون هند و چین به هیچ وجه مایل به رودر رویی با آمریکا نیستند و حتی روسیه که در سیاست نگاه به شرق توجه خاصی به آن دارد، در واقع به دنبال منافع خویش است و فقط با کارت ایران بازی می کند. بر این اساس تنها در جایی می توان به سیاست نگاه به شرق تمایل یافت که ایران به صورت محدود مسائل اقتصادی و فرهنگی را مد نظر قرار دهد.

۱-۴- سؤال تحقیق

آیا سیاست خارجی آرمانگرایانه ایران در دولت نهم و دهم در خصوص روسیه تامین کننده منافع ملی ایران بود؟

سوالات فرعی

۱- آیا سیاست خارجی آرمانگرایانه ایران در دولت نهم و دهم در خصوص روسیه تامین کننده منافع هسته ای

ایران بود؟

۲- آیا سیاست خارجی آرمانگرایانه ایران در دولت نهم و دهم در خصوص روسیه تامین کننده منافع ایران در

مقابله با تحریم ها بود؟

۱-۵- فرضیه تحقیق

با توجه به شرایط غالب در دولت نهم و دهم در عرصه بین الملل که بر اساس دیدگاه آرمان گرایانه بوده است و می

توان مدعی شد که منافع ملی ایران تامین شده باشد.

۱-۶- پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع تحقیق مطالعاتی صورت گرفته است که به شرح زیر است:

-کرمی جهانگیر ۱۳۹۰ روابط ایران و روسیه در سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸: بسترها، عوامل و محدودیت ها، دانشکده

مطالعات جهان، دانشگاه تهران در این تحقیق بیان شده است که ایران و روسیه در پانصد سال گذشته روابطی پر

فراز و نشیب و همراه با دوستی و دشمنی با یکدیگر داشته اند. این روابط از همکاری های دوره صفویه، به خصوصت، جنگ و مداخلات دوره قاجار و سپس روابط خصمانه و گاه دوستانه دوره پهلوی و سرانجام همکاری های بیست سال اخیر (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸) رسیده است. در این مقاله تلاش شده تا با ترسیم وضعیت بیست ساله همکاری های دو کشور در عرصه های مختلف، به بررسی بسترهای داخلی، منطقه ای و جهانی موثر بر شکل گیری آن پرداخته و موقعیت ژئوپلیتیک جدید (دور شدن روسیه از مرزهای ایران) را به عنوان یک متغیر مهم و موثر مورد کند و کاو قرار دهد. در واقع، هدف اصلی این مقاله آنست که به تاثیر تحولات ژئوپلیتیک بر همکاری های دو کشور در بیست سال گذشته پردازد و وارد مسایل و مشکلات پیش آمده در یک سال اخیر نخواهد شد.

-دهقان نژاد مرتضی ۱۳۹۰ واکاوی آغاز دوره دوم جنگ های ایران و روسیه، دانشگاه اصفهان در این تحقیق بیان شده است که مطامع روس ها در قفقاز و دست اندازی به آن و تقابل این امر با سیاست قاجارها و نخبگان ایرانی برای احیای مرزهای تاریخی ایران در این منطقه، سبب ساز آغاز دوره اول جنگ های ایران و روس گردید. این نبردها با بی خبری حکمرانان ایرانی از سیاست بین المللی، ضعف نظامی و دخالت انگلیسی ها، به قرارداد گلستان و جدایی بخش وسیعی از مناطق ایرانی - شیعی از قلمرو سرزمینی ایران منجر گردید. اما حکومت قاجار، به ویژه رجال دارالسلطنه تبریز و عباس میرزا، که خود را بازنده و فریب خورده در قرارداد گلستان می دانستند، تلاش های دیپلماتیک خود را برای بازپس گیری سرزمین های از دست رفته آغاز نمودند. شکست دیپلماتیک در این مسیر، سبب روی آوری قاجارها به تلاش نظامی با پشتوانه اندیشه جهادی روحانیان برای بازپس گیری مناطق از دست رفته گردید. در این مقاله، با بهره گیری از روش تحلیلی - تاریخی به تبیین علل و عوامل آغاز دوره دوم جنگ های ایران و روسیه در سال ۱۲۴۱ ق پرداخته می شود. آغاز این نبردها به دلیل تلاش قاجارها، به ویژه عباس میرزا، برای بازپس گیری مناطق از دست رفته بر اساس معاهده گلستان بود. لذا، فتحعلی شاه و عباس میرزا، با دعوت روحانیان به ایران و گرفتن فتوای جهاد از آن ها و دخالت مستقیم ایشان در نبردها، خواستند حمایت و پشتیبانی مالی و نظامی نخبگان و مردم عادی جامعه ایران را در این جنگ ها به دست آورند و با فرمان دهی خود، به نبردشان علیه روس ها مشروعیت بخشند.

- اسلامی مسعود ۱۳۹۱ دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه های همگرایی و واگرایی، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه در این تحقیق بیان شده است که مقاله فوق سه پرسش کلیدی مرتبط با یکدیگر را دنبال می کند: مفهوم و کارکرد دیپلماسی انرژی چیست؟ مولفه ها، فرصت ها و چالش های دیپلماسی انرژی ایران و روسیه کدام اند؟ چه زمینه هایی برای همگرایی و واگرایی بین ایران و روسیه وجود دارد؟ در بخش نخست، با رویکردی نظری، مفهوم و کارکرد دیپلماسی انرژی مورد بررسی و کنکاش قرار می گیرد و در بخش دوم با رویکردی تطبیقی و مصداقی، فرصت ها و چالش های فراروی دیپلماسی انرژی در دو کشور ایران و روسیه تشریح و تحلیل می شود و آنگاه زمینه های همکاری و همگرایی بین دو کشور در حوزه انرژی های نفت و گاز و همچنین زمینه های رقابت و واگرایی ناشی از منافع متضاد بین آنها بررسی و ارزیابی می شود و راهکارهایی برای افزایش و تسهیل همکاری و اجتناب از واگرایی ارائه می گردد. تلفیق مباحث نظری و تطبیقی فوق نشان خواهد داد که عوامل تاثیرگذار و مولفه های شکل دهنده دیپلماسی انرژی ایران و روسیه در ماهیت خود از بستر وسیع تر منطقه ای و جهانی جدا نیست و همان گونه که بر آنها تاثیر می گذارد، از آنها نیز تاثیر می پذیرد. مقاله بر این فرضیه استوار است که دیپلماسی انرژی ایران و روسیه در سطح دوجانبه همگن و همگرا نیست و علی رغم وجود عوامل و زمینه هایی برای همگرایی، عوامل و زمینه هایی برای واگرایی بین آنها نیز وجود دارد.

- سنایی مهدی ۱۳۹۱ مقایسه تحلیلی سیاست خارجی ایران و روسیه در آسیای مرکزی، گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران در این تحقیق بیان شده است موضوع روابط ایران و روسیه با آسیای مرکزی به صورت جداگانه موضوع پژوهش هایی قرار گرفته است. اما مقایسه سیاست خارجی دو کشور در این منطقه کمتر مورد توجه بوده است. در چنین شرایطی شناخت نقاط اشتراک و اختلاف سیاست خارجی دو کشور در منطقه و نیز به دست آوردن درکی درست از علت های این اشتراک ها و اختلاف ها دشوار است. در این پژوهش به موضوع روابط ایران و روسیه در آسیای مرکزی از زاویه دیگری نگریسته شده است. در این چارچوب اختلاف های و اشتراک های موجود در سیاست خارجی ایران و روسیه در آسیای مرکزی از منظر ساختارها و پایه های نظری سیاست خارجی و نیز فرایندهای

بکارگیری آن توسط دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب تبیین این ساختارها و بررسی نقش آنها در رفتارهای ایران و روسیه در آسیای مرکزی هدف اصلی نوشتار حاضر را تشکیل می دهد.

- عطایی فرهاد ۱۳۹۰ زمینه های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک، گروه روابط بین الملل، دانشگاه تهران، در این تحقیق بیان شده است با وجود پایان یافتن رقابت ژئوراهبردی واشنگتن و مسکو در بسیاری از مناطق جهان بعد از جنگ سرد، چنین به نظر می رسد که در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز این رقابت ها تازه آغاز شده است. مهمترین دلیل آن این است که روس ها همچنان بر حفظ آسیای مرکزی به عنوان یکی از حوزه های نفوذ خود اصرار دارند. پس از فروپاشی شوروی، خلا قدرت در آسیای مرکزی موجب ورود قدرت های دیگر در منطقه شد و یک بازی بزرگ جدید در منطقه شکل گرفت. این رقابت میان قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای با هدف کسب برتری های ژئوپلیتیک، توانایی شکل دهی به ساختارهای امنیتی، تسلط بر منابع انرژی و توسعه حوزه نفوذ است. مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی منافع و الگوهای رفتاری قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در محیط ژئوپلیتیکی پس از جنگ سرد در آسیای مرکزی می پردازد و ضمن بررسی هدف ها و منافع ایران و روسیه به عنوان دو بازیگر اصلی در منطقه آسیای مرکزی، الگوی تعامل میان آنها را مشخص می کند که می تواند در قالب طیفی از رقابت تا همکاری معنا یابد. ادعای این مقاله آن است که راهبرد تقابل و تضاد در روابط ایران و روسیه به سود هیچ یک نیست و راهبرد رقابت در بستر همکاری، بهتر می تواند تامین کننده منافع ایران در آسیای مرکزی باشد.

- امیدی علی چالش های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه ستیزی ایرانی و عمل گرایی روسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان در این تحقیق بیان شده است یکی از موضوع های مهم سیاست خارجی هر کشور، چگونگی تنظیم روابط با قدرت های بزرگ است. تکوین جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، ماهیت روابط ایران با قدرت های بزرگ را دچار تغییر بنیادین کرده است. هر چند از اواخر دهه ۱۹۸۰، ایران و شوروی و به دنبال آن روسیه به بهبود روابط متقابل اقدام کرده اند، ولی این بهبودی منجر به روابط راهبردی نشده است. اعتقاد بر این است که ایران از روی مصلحت (به دلیل روابط اختلاف برانگیز ایران و غرب) به مسکو گرایش نشان داده است و از سوی دیگر، هدف

ها و خط مشی های سیاست خارجی روسیه با هدف های ایران در عرصه بین المللی در مواردی تفاوت دارد. به نظر می رسد که ایران و روسیه با یکدیگر تضاد راهبردی نداشته باشند، ولی وجود یک ساختار انحصار گونه بین المللی که بنابر آن تهران به دلیل فشار غرب در مواردی ناچار است که برخی کالاهای مورد نیاز خود از سیاسی و اقتصادی را از طرف مسکو تامین کند و همچنین نظریه سلطه ستیزی ایرانی و عمل گرایی روسی توجیه کننده برخی از شکاف های روابط دو کشور باشد که این مقاله بر اساس آنها تنظیم شده است.

- شوری محمود ۱۳۸۷ ایران و روسیه: از موازنه قدرت تا مساله هویت در این تحقیق بیان شده است رهیافت های نظری مختلف در حوزه روابط بین الملل پاسخ های متفاوتی به ابهام ها و پرسش های موجود در مورد دلایل گسترش روابط ایران و روسیه در دوره اخیر می دهند. درحالی که رویکردهای واقع گرایانه تلاش می کنند تا موضوع همکاری های ایران و روسیه را موضوعی در چهارچوب روابط قدرت های بزرگ و کوشش های دائمی این قدرت ها برای ایجاد موازنه تعریف کنند، رویکردهای لیبرال انگیزه ها و اهداف دو کشور از برقراری این سطح از روابط را به منافع و انگیزه های مادی و اقتصادی دو کشور مرتبط می نمایند. در این میان، موضوعی که هر دو گروه کم و بیش آن را نادیده می گیرند، این است که هم ایران و هم روسیه در دوره پس از فروپاشی شوروی به لحاظ تحولات هویتی در شرایطی به سر می بردند که نیاز مبرمی به بازسازی هویتی خود احساس می کردند. فرض مقاله حاضر این است که ایران و روسیه در این دوره، که همچنان ادامه دارد، علاوه بر آنکه منبعی برای تامین نیازهای امنیتی و یا منافع مادی کمیاب یکدیگر (ارزهای معتبر برای روسیه و فناوری های تحریم شده برای ایران) تلقی می شدند، منبعی برای تامین نیازهای هویتی یکدیگر نیز به شمار می رفتند. ادعای ما این است که طی دوره پس از فروپاشی شوروی، ایران مهم ترین دلیل و به عبارت بهتر مهم ترین عرصه ای بوده که به روسیه امکان بازیگری به مثابه یک قدرت بزرگ جهانی را بخشیده و به طور متقابل نیز رفتارهای روسیه یکی از مهم ترین موانع انزوای بین المللی ایران در دوره اخیر بوده است.

- کرمی جهانگیر ۱۳۸۹، ایران و روسیه: متحد شرقی یا تهدید جنوبی؟ دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران در این تحقیق بیان شده است بررسی عوامل موثر بر تیرگی روابط ایران و روسیه در یک سال اخیر موضوع اصلی این مقاله